

- تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع: تربیت رسمی و عمومی پدیده‌ای تاریخی و زمینه محور است. به‌طور کلی در برخورد با تکثر فرهنگی، سه رویکرد، قابل طرح و پیگیری است: نخست، رویکرد کثرت‌گرا که در آن خرده فرهنگ‌ها به‌صورت هم‌عرض (بدون توجه به فرهنگ مشترک) تکثیر و تأیید می‌شوند. دوم، رویکرد وحدت‌گرا که در آن خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ غالب هضم می‌شود و در شکل افراطی به حذف خرده فرهنگ‌ها می‌انجامد. سوم، رویکرد وحدت در کثرت است که در آن، ضمن حفظ هویت‌های قومی و خرده فرهنگ‌ها، هویت مشترک میان آحاد جامعه تکوینی و تعالی می‌یابد.

- انعطاف‌پذیری معیارمدار: سازوکار تربیت رسمی و عمومی، به مثابه یکی از سازوکارهای فرهنگی ایجاد وفق، باید ضمن وفادار بودن به ارزش‌های هسته‌ای و به اصول ثابت و نظام معیاری مشخص، نسبت به تنوع‌ها گشوده و منعطف باشد. یکی از پدیده‌های جدید دوران معاصر، که بسیار چالش برانگیز نیز ظاهر شده است، موضوع جهانی‌شدن (جهان‌سازی) و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است که هر دو مستقیم یا غیرمستقیم بر نظام آموزش رسمی و عمومی تأثیر دارند.

- تعامل و بهره‌گیری از تجارب دیگران (در چهارچوب اصول)

۲-۳- ویژگی‌های اختصاصی تربیت رسمی و عمومی

- دین‌مداری (انطباق همه ابعاد و مؤلفه‌ها با نظام معیار اسلامی): همان‌گونه که سکولاریسم ویژگی اساسی و به نوعی ایدئولوژی مسلط بر بسیری از الگوهای تربیت رسمی و عمومی در جهان است، دین‌محوری نیز ویژگی ممتاز تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است.

- تکیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و تناسب با جامعه امروز ایران: منظور از تاریخ‌مندبودن یعنی با ظرف مکانی و زمانی تناسب‌داشتن.

۳- تبیین چرایی تربیت رسمی و عمومی

مراد از این گونه تبیین، طرح مباحث زیر در زمینه تربیت رسمی و عمومی است.

- اهمیت و ضرورت

- نتیجه اختصاصی و هدف کلی

- اهداف

۳-۱- اهمیت و ضرورت

موارد ذیل را نیز می‌توان از وجوه اهمیت و ضرورت شکل خاص تربیت رسمی و عمومی در جامعه اسلامی دانست:

- رسالت پیامبران الهی و جانشینان آن‌ها، هدایت عموم مردم برای اقامه عدالت اجتماعی است. به سخن دیگر، هدف انبیا برقراری عدالت (توسط خود ایشان) نبوده، بلکه هدایت و برانگیختن انسان‌ها بوده است تا برای برپایی عدالت اقدام کنند. لذا «تربیت رسمی و عمومی» برای تحقق زمینه‌های مناسب هدایت عموم و آماده‌سازی آنان برای اقامه عدالت اجتماعی منطبق با معیارهای اسلامی سازوکاری مناسب و ضروری است.

- حرکت استکمالی او در مسیر خیر، همواره در معرض خطر و آسیب است. این مخاطرات برخی منشأ بیرونی و برخی منشأ درونی دارند. شیطان و سوسه‌گر یکی از مهم‌ترین عوامل بیرونی است. براساس آیات قرآن، ابلیس از خداوند تا قیامت مهلت خواست تا در کار و سوسه و فریب فرزندان آدم بکوشد. انسان‌های تربیت نشده و زشت‌کار (انسان‌هایی که ظرفیت‌های مثبت وجودی آنان محقق نشده است و به قول قرآن مانند چهارپایان و حتی پست‌تر از آن‌ها) از عوال دیگر این دسته از مخاطرات‌اند. برخی تمایلات و مشتبهات نفسانی از موانع درونی پیش‌روی انسان برای رسیدن به کمال‌اند.

- مراد از جنبه سلبی تربیت، رفع (نه صرفاً دفع) مخاطراتی است که عمدتاً نقش بازدارندگی دارند و متربی را از رسیدن به مرتبه انسانی فاعل آگاه، آزاد و اخلاقی دور می‌سازند. ضرورت تربیت رسمی، به‌ویژه بخش عمومی آن، در تمامی جوامع امروزی مورد تأکید و تأیید است؛ به‌گونه‌ای که قوانین بین‌المللی و قانون اساسی همه کشورها (از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) برخورداری از آن را اجباری و رایگان کرده‌اند.

- نمی‌توان تعالی جامعه را به تربیت گروهی نخبه به منوط و متکی ساخت بلکه این امر منوط به توسعه و تعالی بیشترین ظرفیت‌های وجودی افراد اجتماع است.

انسجام و وحدت در یک جامعه مستلزم تربیت انسان‌هایی است که زمینه‌های با هم زیستن و انسجام اجتماعی را داشته باشند. این مهم با شکل‌گیری عناصر معرفتی و گرایشی مشترک در هویت گروهی افرادی تحقق می‌یابد که در چهارچوب رسمی و اعتباری تحت‌عنوان «ملت» یا «امت» با همدیگر زندگی می‌کنند.

هویت ملی ماهیتی معرفتی و گرایش و عملی دارد. لذا مهم‌ترین عامل شکل‌گیری آن، نه سازوکارهای صرفاً سیاسی بلکه سازوکارهای فرهنگی و به‌ویژه تربیتی است. نهاد تربیت رسمی و عمومی، از عوامل اصلی زمینه‌ساز تکوین و تعالی هویت مشترک و انسجام اجتماعی در سطح ملی به‌شمار می‌رود.

۳-۲- نتیجه و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی

معرفت بنیاد هر شایستگی و هر تحول وجودی است و درک و بهبود موقعیت، مستلزم معرفت است. بر این اساس هدف کلی تربیت عمومی (اعم از رسمی و غیررسمی) نیز عبارت است از: «تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) متریبان، همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت فردی و غیرمشارک (به خصوص هویت جنسیتی) ایشان به صورتی یکپارچه در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و اعتلای مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی که از طریق کسب شایستگی‌های لازم (پایه و ویژه) صورت می‌گیرد.»

هویت بخش نامتعیین و سیال و ناتمام و درعین حال یکپارچه وجود آدمی است که در جریان قبض و بسط زنجیره موقعیت‌های زندگی توسعه و تعالی می‌یابد. هویت دارای دو جنبه فعال و منفعل است. جنبه فعال آن بخش خلاق و مولد و زایای هویت است که براساس آگاهی و قدرت انتخابگری انسان عمل می‌کند و بر عناصر موقعیت تأثیر می‌گذارد و آن را اصلاح و بهبود می‌بخشد. اما تکوین و تحول هویت در جنبه منفعل از عناصر فطرت و طبیعت از یک سو و از سوی دیگر از عناصر موقعیت تأثیر می‌پذیرد.

هویت امری چندلایه است. این لایه‌ها وابسته به حلقه‌های تودرتوی حیات اجتماعی و فردی بشر و شامل لایه‌های جهانی (انسانی)، دینی، ملی، جنسی/جنسیتی، قومی/محلی، خانوادگی و فردی است. این لایه‌ها متعامل و متداخل‌اند و نمی‌توان به‌صورت ایستا و مستقل به آن‌ها نگریست.

اگرچه هویت در وهله نخست امری فردی به‌نظر می‌رسد که موجب تشخیص و تمایز افراد از یکدیگر می‌گردد، اما در نگاهی عمیق‌تر، فرایند تربیت، به‌ویژه تربیت رسمی و عمومی متوجه لایه‌های مشارک هویت است.

تربیت رسمی و عمومی باید در راستای تکوین و توسعه هویت مشارک متریبان به این لایه‌ها توجه نماید: اولین لایه، لایه جهانی (انسانی) هویت است. این لایه بر آن دسته از مشترکات انسانی تأکید می‌کند که در آن متریبی به چشم عضوی از جامعه انسانی نگریسته می‌شود. در لایه بعدی هویت، عنصر دین و مذهب مورد عنایت قرار می‌گیرد. اعتقادات و ارزش‌های دینی و مذهبی، از اساسی‌ترین نیازهای بشر و محور اصلی در شکل‌گیری لایه دوم است. این لایه نیز جنبه فراملی دارد و در آن هویت جمعی متریبان فراتر از مرزهای سیاسی و ملی مدنظر است. لایه بعدی هویت مشارک، جنبه ملی (ایرانی) دارد که در آن ارزش‌ها و هنجارها، آداب و رسوم و دیگر مؤلفه‌های هویت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به خصوصیات جنسی/جنسیتی هویت لایه دیگری از شخصیت متریبان را شکل می‌دهد که افزون بر ایجاد آمادگی در متریبان (جهت ایفای نقش جنسیتی مناسب در حیات خانوادگی و اجتماعی)، نوعی فهم، علاقه، نگرش و هنجار مشارک بین افراد یک جنس به‌وجود می‌آورد.

۳-۳- اهداف تربیت رسمی و عمومی

این اهداف مجموعه‌ای از شایستگی‌های مربوط به درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن‌هاست که عموم افراد جامعه در جهت تحصیل آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، برای تکوین و تعالی هویت خویش و شکل‌گیری و اعتلای جامعه صالح، باید آن‌ها را کسب کنند. این هدف‌ها شامل دو سطح اهداف مشترک و و اهداف ویژه‌اند:

۳-۳-۱- اهداف مشترک

منظور از شایستگی‌های پایه برای عموم افراد جامعه، مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) و معطوف به همه مؤلفه‌های جامعه صالح است که همه آحاد اجتماع جهت درک و بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران برای تحقق مرتبه قابل‌قبول حیات طیبه باید آن‌ها را داشته باشند.

۳-۳-۲- اهداف ویژه تربیت رسمی و عمومی

نظام تربیت رسمی و عمومی بر مبنای اهداف مشترک و تحلیل آن‌ها، اهداف ویژه‌ای نیز دارد که همان شایستگی‌های ویژه ناظر به خصوصیات فردی، جنسی/جنسیتی، خانوادگی، قومی، دینی / مذهبی و بومی و محلی متریان‌اند که به شکل‌گیری هویت‌های ویژه آحاد اجتماع می‌انجامد. این دسته از شایستگی‌ها در چهارچوب شایستگی‌های پایه مشترک (براساس اصل وحدت‌گرایی، ضمن پذیرش کثرت) توسط نهادهای ذی‌صلاح در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی برحسب معیارهای زیر تعریف می‌شوند:

مرحله رشد متریان؛ خصوصیات فردی و مشترک جنسی / جنسیتی، فرهنگی / خانوادگی، قومی و دینی/مذهبی متریان؛ علایق متریان و نیازهای جامعه محلی؛ موقعیت زمانی و مکانی متریان و شرایط حاکم بر زندگی ایشان؛ آمادگی لازم برای ورود به انواع تربیت خصوصی.

۴- تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی

مفهوم چگونگی، ناظر به نحوه عملی‌شدن جریان تربیت رسمی و عمومی در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است.

۴-۱- اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی (و درواقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای عمل قرار می‌گیرند و از اصول کلی حاکم بر جریان تربیت و مبنای برشمرده تربیت رسمی و عمومی استنباط شده‌اند؛ اصول تربیت رسمی و عمومی از یک منظر شامل دو دسته اصول است: نخست اصول ناظر به روابط درونی بخش‌ها و اجزای نهاد تربیت رسمی و عمومی و دوم اصولی که ناظر به روابط بیرونی این نهاد با عوامل سهیم و تأثیرگذار است.